

مقاله اصلی

سناریوی مطلوب وضعیت طلاق در نسل‌های آینده خانواده ایرانی در چشم‌انداز ۲۰ ساله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

خلاصه

مقدمه: از آنجا که طلاق در کشور ایران به نقطه بحران رسیده و بسیاری از خانواده‌ها با آن درگیر هستند، پژوهشگران زیادی را به تکاپو در بررسی این مسئله واداشته است. هدف اصلی این پژوهش بررسی سناریوی مطلوب وضعیت طلاق در نسل‌های آینده خانواده ایرانی در چشم‌انداز ۲۰ ساله است. **روش کار:** روش پژوهش کیفی از نوع سناریونگاری بود. یکی از اهداف آینده‌پژوهی، "توصیف آینده‌های بدیل" است و سناریونگاری یکی از ابزارهای این هدف است. جامعه آماری این پژوهش را متخصصین حوزه خانواده (جامعه‌شناسان، وکلای خانواده، روان‌شناسان، اساتید هیات علمی دانشگاه) در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. در این پژوهش با توجه به اشباع داده‌ها تعداد ۱۹ متخصص به شیوه هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه نیمه‌ساختاریافته قرار گرفتند. به منظور تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد تدوین سناریوهای محوری وضعیت طلاق در نسل‌های آینده خانواده ایرانی می‌تواند بر وضعیت طلاق در آینده تاثیرگذار باشد. همچنین باورها و زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی مساعدی درباره اهمیت خانواده در جامعه ایران وجود دارد که می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های معطوف به مدیریت و کنترل دامنه و شدت آسیب‌های خانواده و میزان طلاق (به ویژه نسل‌های آینده) ایفا کنند.

نتیجه‌گیری: بنابراین با راهکارهای عملی درست و به موقع، پیشگیرانه و مدیریت شده در سطح سیاست‌گذاری کلان، نرخ طلاق (رسمی و عاطفی) در نسل‌های آینده سیر نزولی پیدا می‌کند.

کلمات کلیدی: آینده‌پژوهی، وضعیت طلاق، نسل‌های آینده، چشم‌انداز ۲۰ ساله

مریم سادات کلاهی ۱

آریتا امیرفخرایی ۲*

اقبال زارعی ۳

^۱ دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

^۲ استادیار، گروه روان‌شناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

^۳ دانشیار گروه روانشناسی، واحد بندرعباس، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرعباس، ایران.

Email: afakhraei2002@gmail.com

مقدمه

آینده پژوهی، دانش مطالعه‌ی آینده (رویدادها، حوادث، روندها، نوآمدها و...) و به منزله‌ی علم و هنر کشف آینده و مهارت شکل بخشیدن به دنیای مطلوب فردا است. در واقع آینده‌پژوهی در مفهوم نوین خود، دانش و فناوری نوپدید است که با هدف پیش‌بینی و خلق مطلوب‌ترین آینده‌های ممکن، از مجموعه‌ی وسیعی از ابزارها و روش‌های علمی و حتی هنری بهره می‌برد. بر این اساس آینده یک مفهوم انتزاعی است که بشر به وسیله آن یک نظم سمبولیک به زمان حال و مفهومی به تلاش‌های گذشته خود می‌بخشد. راهبرد بشر بیشتر به نظم‌دهی فعالیت‌های زمان حال در بافتار تجارب گذشته و اهداف آینده متمرکز است (لومباردو، ۲۰۱۷). «آینده از در همکنش چهار مؤلفه شامل رویدادها، روندها، تصویرها و اقدامات پدید می‌آید» (بارنرز و ماتسون، ۲۰۱۶). آینده‌پژوهی مشتمل بر مجموعه تلاش‌هایی است که با استفاده از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها را تجسم می‌کند (ریدرر، مینارسکا، وینکلردوراک، فنت، رنجز و فیلیپوی، ۲۰۱۷).

آینده‌پژوهی زمانی ارزش بیشتری می‌یابد که در حوزه خانواده و روابط بین‌اعضای آن مورد استفاده قرار گیرد. چرا که یکی از مهم‌ترین روابط انسانی، روابط مربوط به خانواده است که سامانه ارتباطی منحصربه‌فردی داشته و یگانه سامانه اجتماعی است که اعضای آن تحت تأثیر عوامل زیستی، قانونی، هیجانی، جغرافیایی و تاریخی قرار می‌گیرند (مارتینز-سانچز، آراکون-آمیناریز و ایتاریوز-لاندارت، ۲۰۲۰). خانواده سالم زیربنای سلامت جامعه را تشکیل می‌دهد و در پی آن ازدواج نیز حساس‌ترین رابطه خانوادگی قلمداد می‌شود. این حساسیت نه تنها در کسب و حفظ صمیمیت بلکه در حفظ ساختار ازدواج نیز خود را نشان می‌دهد (ساندبالت، تسای و کاروب، ۲۰۲۱). این در حالی است که روابط درون خانوادگی همیشه وضعیتی بهنجار ندارند.

چنانکه نتایج پژوهش‌های عباس، عقیل، عباس، شاهر و جعفر^۶ (۲۰۱۹) و ماخانوا، مک نالتی، ایکل، نیکونوا و مانر^۷ (۲۰۱۸) حاکی از آن است که بعضی از زوج‌ها از تعارض زناشویی بالایی رنج می‌برند که با پیشروی تعارض در روابط همسران، ناسازگاری فراتر رفته و نارضایتی بیشتری نمود پیدا کرده و به تدریج زمینه و مقدمات طلاق فراهم می‌شود. طلاق از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسان تلقی می‌شود این پدیده دارای اضلاعی به تعداد تمام جوانب و ابعاد جامعه انسانی است. چنانکه طلاق به عنوان پدیده‌ای روانی می‌تواند تعادل روانی نه تنها دو انسان، بلکه فرزندان، دوستان، بستگان و نزدیکان را متاثر سازد. امروزه طلاق، مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده به شمار می‌رود و شناخت عوامل مؤثر و متأثر از آن از اولویت‌های بهداشت روان به شمار می‌آید (اسپارا و ویسمان، ۲۰۲۲). بهداشت روانی نسل‌های جامعه در گرو تأمین بهداشت روانی خانواده به عنوان یک کانون مملو از محبت و آرامش برای تحول در رشد استعدادها است که هرگونه آسیبی به آن، نسل آینده را از آثار سوء خود مصون نخواهد گذاشت و سازمان‌های اجتماعی زیادی را درگیر خود خواهد ساخت. با این وجود متأسفانه شاهد افزایش بیش از انتظار نرخ طلاق در جامعه هستیم (کرسپین-باکاد و هوت، ۲۰۲۱).

آمار طلاق در کشور روز به روز رو به افزایش است و این معضل بزرگ اجتماعی در هیچ زمانی مانند عصر حاضر، خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن را به دنبال نداشته است. اگر جامعه‌ای به سوی افزایش طلاق پیش رود، حتماً در آستانه بحران قرار می‌گیرد (هاشمی و جعفری، ۱۴۰۰). با توجه به تغییرات و تحولات در زمینه خانواده، باید آن را از جنبه‌های مختلف بررسی و ارزیابی نمود که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن، مساله تزلزل و تحکیم خانواده است (خجسته‌مهر، بهمی، سودانی و عباس‌پور، ۱۳۹۹). در رابطه با اخلال در خانواده، عوامل متعددی شناسایی شده که می‌توان به بخشی از آنها اشاره کرد:

⁶ Abbas, Aqeel, Abbas, Shaher, Jaffar

⁷ Makhanova, McNulty, Eckel, Nikonova, Maner

⁸ Sbarra, Whisman

⁹ Crespin-Boucaud, Hotte

¹ Lombardo

² Barnes & Mattsson

³ Riederer, Mynarska, Winkler-Dworak, Fent, Rengs & Philipov

⁴ Martínez-Sanchis, Aragón-Amonarriz, Iturrioz-Landart

⁵ Sandbulte, Tsai, Carroll

پژوهش که با مصاحبه نیمه ساختاریافته در میان زنان ۲۸ تا ۵۴ ساله انجام شد، نشان داد که عوامل خطر همانند دانش کم زوجین در باره ارتباطات زناشویی، اختلاف طبقاتی و فرهنگی، نقش والدین در زندگی مشترک و... قبل از ازدواج وجود داشته است اما از سوی افراد به دلایل مختلف از جمله فقدان دانش و مهارت کافی برای انتخاب همسر، نادیده گرفته شده است. این در حالی است که می‌بایست به نقش عوامل درون خانوادگی در شکل‌گیری پدیده طلاق نیز اهتمام جدی داشت. چنانکه نتایج پژوهش سعیدی (۱۳۹۹)؛ مستوفی سرکاری، قمری و حسینیان (۱۳۹۸)؛ طهرانی مقدم و شریعت باقری (۱۳۹۷) و کیانی و عارفی (۱۳۹۴) بیانگر آن است که عوامل روانی و اجتماعی درونی خانواده می‌تواند در سلامت ارتباطی اعضای خانواده، کیفیت زندگی زناشویی زوجین و همچنین سلامت روانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان موثر باشد.

ضرورت انجام پژوهش حاضر را می‌توان این‌گونه بیان نمود که با توجه به این تغییرات و تحولات در زمینه خانواده، باید آن را از جنبه‌های مختلف بررسی و ارزیابی نمود که مهم‌ترین و اصلی‌ترین آن، مساله تزلزل و تحکیم خانواده است. در رابطه با اختلال در خانواده، عوامل متعددی شناسایی شده که می‌توان به بخشی از آنها اشاره کرد: سستی پیوندهای عاطفی و روانی زن و شوهر، جابجایی و تداخل و به هم خوردن نقش‌های خانوادگی زوجین، ضعف زوجین در مهارت‌های همسررداری، کاهش پایبندی به آداب و سنن دینی، کاهش زشتی طلاق، ضعف مدیریت خانواده، اعتیاد زن یا شوهر، افسردگی و اضطراب در خانواده، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زوجین، خشونت و همسرآزاری، عدم آشنایی کافی زوجین با حقوق و مسئولیت‌های همدیگر، کاهش آستانه تحمل زوجین، تنوع‌طلبی در روابط جنسی، فشار مضاعف ناشی از کارهای خانه و اشتغال، اشتغال بیش از حد مرد و نداشتن فرصت برای خانواده، دخالت‌های بی‌جای اطرافیان زوجین در زندگی زوجین و...!!! این عوامل و علل باید در سیاست‌گذاری‌های خانوادگی مورد

سستی پیوندهای عاطفی و روانی زن و شوهر؛ جابجایی و تداخل و به هم خوردن نقش‌های خانوادگی زوجین، ضعف زوجین در مهارت‌های همسررداری؛ کاهش پایبندی به آداب و سنن دینی؛ ضعف مدیریت خانواده؛ اعتیاد زن یا شوهر؛ افسردگی و اضطراب در خانواده، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زوجین؛ خشونت و همسرآزاری؛ عدم آشنایی کافی زوجین با حقوق و مسئولیت‌های همدیگر؛ کاهش آستانه تحمل زوجین؛ تنوع‌طلبی در روابط جنسی؛ فشار مضاعف ناشی از کارهای خانه و اشتغال؛ اشتغال بیش از حد مرد و نداشتن فرصت برای خانواده؛ دخالت‌های بی‌جای اطرافیان زوجین در زندگی زوجین (احدی، عبداللهی، تاجری و حاجی‌علیزاده، ۱۴۰۰). این عوامل و علل باید در سیاست‌گذاری‌های خانوادگی مورد توجه قرار گیرد و بدین جهت انجام پژوهشی علمی در راستای چشم‌انداز طلاق با توجه به عوامل تاثیرگذار و شناسایی روند آتی تحولات خانواده می‌تواند کمک شایانی به سیاست‌گذاری در این زمینه نماید (تقوی دینانی، باقری و خلعتبری، ۱۳۹۹).

نقش عوامل مختلف در بروز طلاق و آسیب به کیان مقدس خانواده در جوامع مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. چنانکه گونزالس و مارسن^۱ (۲۰۱۹) با بررسی نقش بیکاری و چرخه کسب و کار در ازدواج و طلاق پرداختند. آن‌ها دریافتند که تفاوت بین رکود و دوره‌های رونق و توسعه در سراسر کشور کاملاً واضح است. نتایج نشان داد که بیکاری با نرخ ازدواج رابطه منفی دارد. همچنین پژوهش آنان نشان داد که برای طلاق الگوهای مختلفی بسته به مکان جغرافیایی وجود دارد. میزان طلاق در مناطق ساحلی کمتر است در حالی که در مناطق داخلی افراد به شیوه‌های متضاد به بیکاری واکنش نشان می‌دهند و گرایش به طلاق بیشتر است که این نتایج می‌تواند نقش جغرافیا و فرهنگ را در بروز پدیده طلاق برجسته نماید. همچنین ریجاو یک کلوبو کار و سیمونیک^۲ (۲۰۱۹) در پژوهش خود پیرامون بررسی علائم خطر برای طلاق در میان زنان دریافتند که طلاق یک تجربه پیچیده با عوامل خطر مختلف است. این

² Rijavec Klobučar, Simonič

¹ González-Val, Marcén

وکلای خانواده، روان‌شناختان، اساتید هیات علمی دانشگاه) در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند، به خصوص کسانی که در زمینه طلاق به صورت تخصصی فعالیت اجرایی و پژوهشی داشتند، که ۳۰ نفر را شامل شد. تعداد نمونه در مرحله کیفی با توجه به سطح اشباع نظری^۱ مشخص می‌شود که در پژوهش حاضر تعداد نمونه تا ۱۱ اشباع داده‌ها ۱۹ نفر بود. قبل از شروع مصاحبه خلاصه‌ای از طرح پژوهش، نتایج بررسی پیشینه پژوهش به همراه اهداف و سؤالات پژوهش جهت مطالعه و آمادگی اولیه در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار داده شد و در ابتدای جلسه مصاحبه نیز در مورد کارهای انجام‌شده به‌طور مختصر توضیح داده شد. سپس نسبت به طرح سؤالات مصاحبه و انجام فرایند مصاحبه اقدام شد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. معیار ورود به این پژوهش افرادی بودند که آگاهی بیشتری نسبت به موضوع پژوهش داشتند و در حوزه طلاق فعالیت اجرایی و سابق پژوهشی داشتند. مصاحبه‌ها تا زمانی که اشباع نظری صورت گرفت، ادامه داشت. به منظور تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شد.

نتایج

۱- شاخص روان‌شناختی و نقش خانواده: پاسخ‌دهندگان در پاسخ سوال: پیشران‌های کلیدی و وضعیت طلاق در نسل‌های آینده ایران چیست؟ به شاخص روان‌شناختی، شخصیتی و خانوادگی اشاره بسیار داشتند و در رابطه با نقش این مولفه‌ها تاکید می‌کردند. ویژگی‌های شخصیتی هر فرد که بخشی از آن ذاتی و حاصل از ارث است و بخشی دیگر ناشی از تربیت و محیط زندگی یا خانواده است بر موضوع طلاق تاثیر گذار می‌باشد. در این رابطه بیشترین فراوانی‌ها در مورد دیدگاه پاسخ‌دهندگان مفاهیمی همچون: وجود اختلالات خفیف تا شدید روانی همچون افسردگی، اضطراب، پارانوئید و... که ناشی از عوامل زمینه‌ای، محیطی، ژنتیکی و... می‌باشد، شناسایی به موقع مشکلات روان‌شناختی قبل از تشکیل زندگی مشترک در افراد، غربالگری سراسری و اجباری افراد جامعه از نظر روان‌شناختی،

توجه قرار گیرد و بدین جهت انجام پژوهشی علمی در راستای طلاق با توجه به همه این عوامل تاثیرگذار و شناسایی روند آتی تحولات خانواده می‌تواند کمک شایانی به سیاستگذاری در این زمینه شود. در ضرورتی دیگر باید گفت در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، مطالعه این امر به خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. بررسی آینده‌پژوهانه امر ازدواج و طلاق به دلیل این که مسایل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش، می‌تواند پیامدهای ناخواسته اجتماعی و فرهنگی ناگواری نه تنها در سطح فردی، بلکه مهم‌تر از آن برای جامعه در پی داشته باشد امری ضروری است، به بیان دیگر آثار ازدواج پیش از آنکه در فرد قابل ملاحظه باشد، در سطح کلان اجتماع، قابل مشاهده و بررسی است. از طرفی امروزه پدیده‌های فردی-اجتماعی همچون پدیده طلاق بیش از دهه‌های گذشته پیچیده، نامطمئن و متفاوت شده است و با عوامل متعددی اعم از عوامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و... درهم تنیده شده است که اگر برای شناسایی عوامل و پیشران‌های آن پژوهش مجدانه یا بررسی دقیق و عزم اجرایی جهت رفع آن صورت نگیرد، تبعات شدیداً مخرب و ناامن‌کننده را بر کل جامعه خواهد داشت. بر این اساس مسئله اصلی این پژوهش بررسی سناریوی مطلوب وضعیت طلاق در نسل‌های آینده خانواده ایرانی در چشم‌انداز ۲۰ ساله است

روش کار

با توجه به موضوع که در پی چگونگی استفاده از دانش آینده‌پژوهی در خصوص وضعیت طلاق و چالش‌های پیش‌رو است، مشخص می‌شود که این پژوهش کیفی و تبیینی (تحلیل روند) است. البته توجه به روش‌های آینده‌پژوهی نیز مورد تامل و توجه بوده است. بنابراین جهت تدوین راهبرد و دستیابی به نتایج از میان روش‌های گوناگون آینده‌پژوهی، روش سناریونگاری به پژوهش ما نزدیک‌تر و کارآمدتر بود. جامعه آماری این پژوهش را متخصصین حوزه خانواده (جامعه‌شناسان،

¹. theoretical saturation

دهندگان در این بخش عبارت است از: این افزایش برنامه‌های درسی در مدارس به ویژه در دوران نوجوانی تا قبل از دانشگاه با محتوای روابط درست باجنس مخالف (دختر و پسر)، خودشناسی، مسئولیت‌پذیری، تلاش برای حل مشکلات، رشد فردی، افزایش مباحث تربیتی و اخلاقی در چارچوب آموزش‌های دبستان تا پایان دوران متوسطه با هدف افزایش خصیصه‌ها و فضیلت‌های انسانی همچون تعهد، وفاداری، دوری از کینه و بداخلاقی و... افزایش دوره‌های مهارت‌افزایی در دوران تحصیلات دانشگاهی برای جوانان درباره مهارت‌افزایی (روابط اجتماعی موثر و مفید، گفت و گو، حل مسئله، روابط با جنس مخالف به شکل صحیح و...)، برگزاری دوره‌های آموزشی و مشاوره برای والدین در مدارس جهت آشنایی با نحوه ارتباط‌گیری با فرزندان و بیان مسائل خاص دوران بلوغ و رشد کودکان و نحوه صحیح هدایت نوجوانان در کانون خانواده توسط والدین و برگزاری دوره‌های آموزش برای والدین (تفاهم، حل مسئله) در انجمن‌های فرهنگی خانوادگی.

۵- شاخص اجتماعی (آسیب‌های اجتماعی): شاخص و مولفه اجتماعی نیز طیف گسترده‌ای را در زمینه پیشران‌های تاثیرگذار بر موضوع طلاق تشکیل می‌دهد، چرا که بعد از محیط خانواده، افراد در محیط‌های دیگر نیز رشد می‌یابند و تاثیر می‌پذیرند از جمله: محیطی که افراد در آن رشد می‌یابند و تاثیر می‌پذیرند محیط جامعه و جمع‌های کاری، دوستانه و... است. بنابراین پاسخ دهندگان نیز بر نقش اساسی این مولفه بر موضوع طلاق تاکید ویژه‌ای داشتند و مفاهیمی همچون موارد ذیل را بر شمرند که عبارت است از: تقویت و رشد زمینه آگاهی‌بخشی و مهارت‌افزایی در میان افراد جامعه با حمایت از انجمن‌ها و نهادهای مبارزه با آسیب‌های اجتماعی، شرایط بروز تشکیل هویت اجتماعی به افراد، با توسعه روابط بین گروهی، فردی، توسعه گفت‌وگو و هم‌افزایی بخش‌ها برای ایجاد فضای گفت و گو بین افراد و گروه‌ها، حمایت جامعه از تمامی موضوع‌های مرتبط با خانواده، ازدواج آگاهانه، تحکیم خانواده افزایش مددکاری اجتماعی برای رسیدگی به مشکلات اقشار آسیب‌پذیر

مشاوره اجباری پیش از ازدواج، ترویج و تشویق خانواده‌ها به داشتن مشاور یا روان‌شناس در سبب‌بهداشتی، سلامت خانواده‌ها، افزایش مراکز نگهداری و درمان بیماران دارای اختلالات روانی، حمایت از پژوهش و پژوهش در بخش شناسایی بیماری‌های روان، زوج‌درمانی، خانواده‌درمانی، ترویج فرهنگ لزوم انجام مشاوره‌های فردی و خانوادگی و قبل از ازدواج در بین افراد، برداشتن تابوی مشاوره رفتن، ایجاد دفاتر مشاوره فردی و ازدواج در دانشگاه‌ها برای دانشجویان، است.

۲- شاخص‌های ملاحظه‌گر: به زعم خبرگان و کارشناسان حوزه سلامت خانواده شرکت‌کننده در گروه کارشناسان این پژوهش، یکسری از عوامل تاثیرات غیر مستقیم اما مهم و واسطه‌ای بر موضوع طلاق دارند که با عنوان شاخص‌های مداخله‌گر مشخص می‌شوند، این عوامل طیف گسترده‌ای دارد که می‌تواند از نقش رسانه‌ها تا عملکرد بخش‌های مرتبط با موضوع خانواده و مسایل زوجین و نهایتاً طلاق را شامل شود. بنابراین در این رابطه مفاهیم مهم بیان شده از سوی مطلعان شرکت‌کننده در این پژوهش عبارت بود از: رسانه‌ها یک عامل مداخله‌گر و موثر در بحث افزایش یا گاهی کاهش طلاق هستند. اگر رسانه‌ها در برنامه‌سازی و محتوایشان جهت تحکیم خانواده، ازدواج آگاهانه و ترویج روابط صحیح اجتماعی بین فردی و گروهی سوق پیدا کند منجر به کاهش طلاق میشوند. رسانه باید در زمینه رشد شخصیتی، مهارت‌افزایی، بیان و معرفی پیامدهای بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی و طلاق برنامه‌های متعددی را تولید و پخش نماید بنابراین نقش آگاه‌سازی رسانه در مورد مسائل مرتبط با طلاق بسیار مهم است. رسانه‌ها از تلویزیون گرفته تا فضای مجازی باید در راستای رد ناهنجاری‌ها و نکوداشت جایگاه خانواده، مردم را آگاه نماید.

۳- شاخص آموزشی-تربیتی: شرکت‌کنندگان مولفه آموزشی-تربیتی را از دوران ابتدایی تا تحصیلات عالی مدنظر قرار دادند همچنین بر آموزش‌های جانبی خارج از سیستم آموزش عمومی نیز برای تعلیم مباحث مرتب با خانواده، ازدواج آگاهانه و... تاکید داشتند. عمده مفاهیم مورد نظر و تاکید پاسخ

نهادی، فرا سازمانی و جامع برای شناسایی و حل مشکلات اجتماعی، ترویج هنجارها و رشد آن در جامعه، مبارزه با ناهنجاری‌های اجتماعی و نکوهش آن، راه اندازی نظام جامعه مقابله با آسیب‌های اجتماعی و... .

۶- شاخص اقتصادی: مطابق با آمارها و مشاهدات به نظر پاسخ دهندگان پیشران‌های مربوط به مسایل مالی و اقتصادی که از وضعیت معیشت تا فقر را شامل می‌شود بر موضوع طلاق در نسل حال و آینده جوانان تاثیر گذار است؛ به طوریکه اگر نقش اول را نداشته باشد، بدون شک، نقش سوم و یا چهارم را ایفا می‌کند. بدین ترتیب خیرگان حوزه سلامت خانواده در این پژوهش مفاهیمی همچون موارد ذیل را در حوزه پیشران‌های اقتصادی برشمردند: رشد تولید و زمینه‌های اشتغال برای کاهش بیکاری به ویژه در بین جوانان، رسیدگی به معیشت کارمندان و..، تناسب حقوق با هزینه‌های خانوار، اجرای برنامه‌های موثر برای کاهش فقر، کاهش فساد مالی در بخش‌های دولتی و خصوصی، حمایت از بخش خصوصی برای اشتغال زایی بیشتر، کنترل تورم، حمایت مالی مداوم از قشر کم درآمد و آسیب پذیر، افزایش تعداد خیره‌ها و حمایت از نهادهای کمک رسان، شناسایی نقاط ضعف بخش اقتصادی در جامعه و رفع آن، ایجاد امکان سرمایه گذاری و افزایش شرایط مناسب برای جوانان و ورود آنها در مبحث تولید، صادرات و اشتغال خود کفا، کنترل واردات کالا جهت رونق تولید و فروش کالای ایرانی، مبارزه با قاچاق، ایجاد ارتباط بین دانشگاه با صنعت و بازار کار جهت اشتغال جوانان بعد از تحصیل.

۷- شاخص حقوقی و قانونی: وضع قانون و موازین حقوقی در هر جامعه‌ای چارچوب و خط مشی را ایجاد می‌کند تا افراد از مرز بی نظمی و هرج و مرج خارج نشوند. این قوانین اساسی ملی نحوه عمل، رفتار، روابط و تمامی فعالیت‌ها را شکل می‌دهد و مشخص می‌کند. بدین ترتیب اگر قوانین به روز و متناسب با شرایط حال و آتی جامعه با دقت و در زمینه‌های متنوع زندگی فردی و اجتماعی افراد چارچوب مشخص و محکمی داشته باشد، جامعه نیز با بسیاری از معضلات روبرو نخواهد شد. در این راستا قوانین مرتبط با موضوع طلاق و خانواده مهمترین و تاثیر گذارترین قوانین حقوقی هستند که می‌بایست با دقت و حساسیت بیش از پیش وضع، بازنگری و اجرا شوند. از این رو شرکت کنندگان در این پژوهش مهمترین پیشران‌های قانونی مرتبط با خانواده، زوجین و طلاق را به شرح ذیل برشمردند: اصلاح قوانین در حوزه تحکیم خانواده، جایگاه زن و مرد در خانواده، وضع قوانین دقیق و متناسب با شرایط فعلی جامعه در جهت حفظ نهاد خانواده و جلوگیری از افزایش طلاق، وضع قوانین دقیق و محکم برای ممانعت از چند همسری که در موضوع افزایش طلاق بسیار موثر است، وضع قوانین مناسب برای تعیین وضعیت حقوق و مالی دو طرف (زن و مرد) در طول زندگی مشترک و یا بعد از جدایی، اصلاح قوانین برای حمایت از کودکان بدسرپرست، الزام قانونی و حمایت از کودکان کار و جدا کردن این کودکان از خانواده‌های بزهکار و الزام دولت برای نگهداری

۵- شاخص فرهنگی: پاسخ دهندگان در این پژوهش، نقش پیشران‌های فرهنگی را به خاطر وجود ارزش‌هایی که بر موضوع طلاق بازدارنده است، مهم ارزیابی می‌کنند، و تاکید دارند که اگر ویژگی‌های فرهنگی اعم از وفاداری، احترام به دیگران به ویژه بزرگترها و... ترویج و گسترش نیابد چنین ارزش‌های اصیل به خوبی به نسل آینده انتقال نمی‌یابد و نسل آتی از باورها و ارزش‌های فرهنگی-اخلاقی ستوده شده و غنی تهی خواهند بود و این موضوع بر طلاق تاثیر منفی خواهد گذاشت. بدین ترتیب پاسخ دهندگان مفاهیم مرتبط با پیشران فرهنگی موثر بر

۵. تحکیم خانواده و ارتقای سرمایه اجتماعی آن بر پایه رضایت و انصاف، خدمت و احترام و مودت و رحمت با تأکید بر:

- به کارگیری یکپارچه ظرفیت‌های آموزشی، تربیتی و رسانه‌ای کشور در جهت تحکیم بنیان خانواده و روابط خانوادگی
- فرهنگ‌سازی و تقویت تعاملات اخلاقی
- مقابله مؤثر با جنگ نرم دشمنان برای فروپاشی و انحراف روابط خانوادگی و رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های تحکیم خانواده
- ممنوعیت نشر برنامه‌های مخمل ارزش‌های خانواده
- ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر و استفاده مؤثر خانواده از اوقات فراغت به صورت جمعی
- ۶. ارائه و ترسیم الگوی اسلامی خانواده و تقویت و ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی با:
- ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های پسندیده در ازدواج و خانواده
- پررنگ کردن ارزش‌های اخلاقی و زدودن پیرایه‌های باطل از آن
- مبارزه با اشرافیت و تجمل‌گرایی و مظاهر فرهنگ غرب
- اصلاح رفتار گروه‌های مرجع و برجسته‌سازی رفتارهای شایسته آن‌ها و جلوگیری از شکل‌گیری گروه‌های مرجع ناسالم
- ۷. بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.
- ۸. ایجاد فضای سالم و رعایت روابط اسلامی زن و مرد در جامعه.
- ۹. ارتقای معیشت و اقتصاد خانواده‌ها با توانمندسازی آنان برای کاهش دغدغه‌های آینده آن‌ها درباره اشتغال، ازدواج و مسکن.
- ۱۰. ساماندهی نظام مشاوره‌ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده و تسهیل دسترسی به آن بر اساس مبانی اسلامی ایرانی در جهت استحکام خانواده.

مناسب از آنها، اصلاح قوانین در حوزه طلاق و شرایط انجام طلاق، به روز شدن قوانین مرتبط با نفقه و... قوانین و حقوق قضایی باید در جهت حفظ نهاد خانواده باشد نه ترویج طلاق. افزایش مراکز قضایی و حقوقی ویژه حل اختلافات خانوادگی، افزایش مراکز دادگاه‌های قضایی برای حل مشکلات و رسیدگی به شکایات خانواده‌ها و زوجین، برابری عدالت قضایی برای زن و مرد، ترویج موضوع وکیل و مشاور حقوقی در بین افراد جامعه به ویژه وکیل و مشاور حقوقی برای خانواده‌ها.

راهکارهای کاهش طلاق: به اعتقاد اغلب متخصصان پاسخ دهنده در این پژوهش، راهکارهای کاهش طلاق و پیشگیری از گسست خانواده در جامعه و تقویت روابط پایدار بین زوجین، در دو سطح سیاستی کلان و خرد قابل تعریف و پیشنهاد است. در این سیاست‌ها، پس از تأکید بر این موضوع که «خانواده واحد بنیادی و سنگ بنای جامعه اسلامی و کانون رشد و تعالی انسان و پشتوانه سلامت و بالندگی و اقتدار و اعتلای معنوی کشور و نظام است»، به امور متعدد، متنوع و اثرگذاری اشاره و مقرر شده است که «سمت و سوی حرکت نظام باید معطوف» به این امور باشد. امور یادشده به این شرح است:

۱. ایجاد جامعه‌ای خانواده محور و تقویت و تحکیم خانواده و کارکردهای اصلی آن بر پایه الگوی اسلامی خانواده به عنوان مرکز نشو و نما و تربیت اسلامی فرزند و کانون آرامش‌بخش.
۲. محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.
۳. برجسته کردن کارکردهای ارتباط خانواده و مسجد برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از خانواده و جامعه.
۴. ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی.

پژوهش، سناریوی مطلوب و نامطلوب برای کاهش طلاق را بیان نمودند که در ادامه بیان می‌شود:

سناریوی مطلوب

پیشران‌های اصلی و فرعی مؤثر بر موضوع طلاق در جامعه به بهترین شکل به کار خود ادامه می‌دهند و وضعیت طلاق رو به کاهش می‌گذارد. هرچند فرایند مدرنیزه شدن کشورهای جهان سوم که ایران از جمله آنهاست، وضعیت طلاق را به سمت سیر و رشد صعودی سوق می‌دهد. اما با کنترل و هدایت درست متغیر و شاخص‌های اصلی تأثیرگذار بر موضوع طلاق در نسل‌های آینده و ممانعت از بروز ماتریس اثرات متقاطع ناشی از عوامل اجتماعی (از آسیب‌های اجتماعی تا...)، عوامل فرهنگی (از عدم فرهنگ سازی تا...)، عوامل اقتصادی (از بیکاری، تورم، فقر تا...)، عوامل شخصیتی (از خصوصیات اخلاقی همچون ناسازگاری، پرخاشگری تا...)، عوامل خانوادگی (از تأثیر سابقه طلاق والدین تا...)، عوامل روان‌شناختی (انواع اختلالات روانی از عصبانیت، افسردگی تا...) و عوامل مداخله‌گر (از توليدات هنری و رسانه‌ای مخرب تا...) و عوامل آموزشی- تربیتی (از عدم آموزش‌های اثر بخش تربیتی افراد در دوره‌های مختلف تا...) و با عمل راهکارهای مناسب و به موقع، پیشگیرانه و مدیریت شده در سطح سیاستگذاری کلان، نرخ طلاق (رسمی و عاطفی) در نسل آینده سیر نزولی می‌یابد. بدین ترتیب در ماهیت این سناریو تمامی پیشران‌های مؤثر بر موضوع طلاق در نسل‌های آینده به طور مطلوب متصور شده است. بنابراین با تحقق این سناریو، نرخ طلاق (رسمی و عاطفی) در نسل آینده سیر نزولی می‌یابد.

سناریوی نامطلوب: به دلیل آنکه پیشران‌های اصلی و فرعی مؤثر بر موضوع طلاق در جامعه به طور کامل و به شکلی منفعل عمل می‌کنند، همچنین با توجه به فرایند مدرنیزه شدن کشورهای جهان سوم که ایران از جمله آنهاست، وضعیت طلاق سیر و رشد صعودی دارد. بنابر متغیر و شاخص‌های اصلی تأثیرگذار بر موضوع طلاق در نسل آینده، ماتریس اثرات متقاطع عوامل اجتماعی (از آسیب‌های اجتماعی تا...)، عوامل فرهنگی (از

۱۱. تقویت و تشویق خانواده در جهت جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

۱۲. حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری و خانه‌داری زنان و نقش پدری و اقتصادی مردان و مسئولیت‌تربیتی و معنوی زنان و مردان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود.

۱۳. پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و عوامل تزلزل‌ناهنده خانواده به‌ویژه موضوع طلاق و جبران آسیب‌های ناشی از آن با شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و فرهنگ‌سازی کراهت طلاق.

۱۴. حمایت حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان و تشویق و تسهیل ازدواج آنان.

۱۵. اتخاذ روش‌های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت‌های جسمی و روحی و عاطفی از آنان.

۱۶. ایجاد سازوکارهای لازم برای ارتقای سلامت همه‌جانبه خانواده‌ها به‌ویژه سلامت باروری و افزایش فرزندآوری در جهت برخورداری از جامعه جوان، سالم، پویا و بالنده.

شاید هنوز برای ارزیابی میزان تحقق سیاست‌های کلی خانواده و پاسخ به این پرسش که تا چه میزان سمت و سوی حرکت نظام جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف معطوف به این سیاست‌ها بوده است، زود باشد، ولی با نگاهی اجمالی به برخی شاخص‌های کلان مانند میزان ازدواج، طلاق و فرزندآوری و همچنین وضعیت زنان بی‌سرپرست، نشان می‌دهد که نظام اسلامی تا تحقق کامل این سیاست‌ها فاصله بسیار زیادی دارد و همچنان باید منتظر اقدامات عملی حوزه‌های مختلف قانونگذاری، اجرایی و قضایی کشور برای بهبود شاخص‌های مرتبط با وضعیت زن و خانواده باشیم. بدین ترتیب براساس یافته‌های پژوهش حاضر، مولفه‌های ۸ گانه اصلی مؤثر بر پدیده طلاق در نسل آینده شناسایی شد که با کمک این مولفه‌ها، ۱۹ متخصص پاسخ دهنده حاضر در

نقش والدین در زندگی مشترک و... از عوامل موثر بر بروز طلاق است. این در حالی بود که احدی و همکاران (۱۴۰۰) سستی پیوندهای عاطفی و روانی زن و شوهر؛ جابجایی و تداخل و به هم خوردن نقش‌های خانوادگی زوجین، ضعف زوجین در مهارت‌های همسررداری؛ کاهش پابندی به آداب و سنن دینی؛ افسردگی و اضطراب در خانواده، عدم ارضای نیازهای جنسی و عاطفی زوجین؛ خشونت و همسرآزاری؛ عدم آشنایی کافی زوجین با حقوق و مسئولیت‌های همدیگر؛ تنوع‌طلبی در روابط جنسی؛ اشتغال بیش از حد مرد و نداشتن فرصت برای خانواده را به عنوان عواملی موثر در بروز طلاق برشمرده‌اند.

ازدواج پیوندی بین دو جنس مخالف است، به شرط قرارداد اجتماعی که برای مشروعیت بخشیدن به روابط جسمانی ایجاد می‌شود. در کشور ما که به لحاظ ساختار سنی، بخش اعظم جمعیت را جوانان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، مطالعه این امر به خصوص از لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای آینده، اهمیت زیادی پیدا می‌کند. بررسی آینده‌پژوهانه امر ازدواج و طلاق به دلیل این که مسایل و مشکلات و نابسامانی‌های موجود در این بخش، می‌تواند پیامدهای ناخواسته اجتماعی و فرهنگی ناگواری نه تنها در سطح فردی، بلکه مهم‌تر از آن برای جامعه در پی داشته باشد امری ضروری است. به بیان دیگر آثار ازدواج پیش از آنکه در فرد قابل ملاحظه باشد، در سطح کلان اجتماع، قابل مشاهده و بررسی است. از طرفی امروزه پدیده‌های فردی-اجتماعی همچون پدیده طلاق بیش از دهه‌های گذشته پیچیده، نامطمئن و متفاوت شده است و با عوامل متعددی اعم از عوامل سیاسی، اقتصادی، مدیریتی، فرهنگی و... درهم تنیده شده است که اگر برای شناسایی عوامل و پیشران‌های آن پژوهش مجدانه یا بررسی دقیق و عزم اجرایی جهت رفع آن صورت نگیرد تبعات شدیداً مخرب و ناامن‌کننده را بر کل جامعه خواهد گذاشت.

در تبیین یافته حاضر باید گفت به زعم و تاکید اغلب متخصصان پاسخ دهنده در این پژوهش امروزه مسئله طلاق یک تهدید بزرگ برای جامعه و خانواده‌ها حساب می‌شود که با نگاه سطحی و گذرا می‌توان به عمق فاجعه این پدیده شوم پی برد که عوامل

عدم فرهنگ‌سازی تا...، عوامل اقتصادی (از بیکاری، تورم، فقر تا...)، عوامل شخصیتی (از خصوصیات اخلاقی همچون ناسازگاری، پرخاشگری تا...)، عوامل خانوادگی (از تاثیر سابقه طلاق والدین تا...)، عوامل روان‌شناختی (انواع اختلالات روانی از عصبانیت، افسردگی تا...) و عوامل مداخله‌گر (از تولیدات هنری و رسانه‌ای مخرب تا...) و عوامل آموزشی- تربیتی (از عدم آموزش‌های اثر بخش تربیتی افراد در دوره‌های مختلف تا... منجر به افزایش تعداد و نرخ طلاق (رسمی و عاطفی) در نسل آینده می‌شود. بدین ترتیب در ماهیت این سناریو تمامی پیشران‌های موثر بر موضوع طلاق در نسل آینده به طور غیرقابل کنترل و نامطلوب متصور شده است به طوری که با تحقق این سناریو، نرخ طلاق (رسمی و عاطفی) در نسل آینده روند افزایشی دارد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی سناریوی مطلوب وضعیت طلاق در نسل‌های آینده خانواده ایرانی در چشم‌انداز ۲۰ ساله صورت گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که از نظر متخصصان عوامل روان‌شناختی و خانوادگی، آموزشی-تربیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حقوقی و قانونی در آمار طلاق در سال‌های پیش‌رو موثر است. به دلیل انجام کیفی پژوهش حاضر و نوآوری آن، پژوهش کاملاً همسویی با پژوهش حاضر یافت نشد. اما نتایج پژوهش سعیدی (۱۳۹۹)؛ مستوفی سرکاری، قمری و حسینیان (۱۳۹۸)؛ طهرانی مقدم و شریعت باقری (۱۳۹۷) و کیانی و عارفی (۱۳۹۴) بیانگر آن است که عوامل روانی و اجتماعی درونی خانواده می‌تواند در سلامت ارتباطی اعضای خانواده، کیفیت زندگی زناشویی زوجین و همچنین سلامت روانی، اجتماعی و هیجانی فرزندان موثر باشد. علاوه بر این گونزالس و مارسن (۲۰۱۹) گزارش کرده‌اند که بیکاری و چرخه کسب و کار به عنوان عوامل اقتصادی می‌تواند با نرخ ازدواج و طلاق رابطه معنادار داشته باشد. همچنین ریجاویک کلوبو کار و سیمونیک (۲۰۱۹) در نتایج پژوهش خود در یافتند دانش کم زوجین درباره ارتباطات زناشویی، اختلاف طبقاتی و فرهنگی،

مختلفی در به وجود آمدن این مسئله و موضوع دخیل است. در بحث افزایش آسیب‌های اجتماعی مسئله طلاق یک تهدید بزرگ در کشور به حساب می‌آید و هر روز جامعه و خانواده‌ها را درگیر این موضوع کرده است. در بحث موضوع طلاق که این تهدید اجتماعی اثرات زیان باری برای خود شخص و خانواده‌ها و جامعه و در صورت داشتن فرزند برای فرزندان‌شان در دراز مدت خواهد داشت و این پدیده نگرانی‌ها و استرس‌هایی را به جامعه و خانواده‌ها تحمیل می‌کند و در انتخاب دیگر اعضای اجتماع و خانواده‌ها در بحث ازدواج تاثیر دارد و تردید و نگرانی و استرس را به خانواده‌ها به ارمغان می‌آورد. در کشورهای توسعه‌یافته که موضوع و مسایل اجتماعی نهادینه نشده باشد این آثار و آسیب‌ها در مدل و روش‌های مختلف خود را نمایان می‌کند و آنچه مسلم است، نبود آموزش‌های لازم از دوران کودکی و نوجوانی، ارتباط نادرست خانواده‌ها در شکل‌گیری تربیت شخصی و اجتماعی فرد، نداشتن برنامه درست و جامع از طرف جامعه و نهادها، عدم توجه به روحیات و نگاه افراد به مسئله ازدواج، عدم توجه به موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگ خانواده‌ها و نادیده گرفتن جایگاه دین و توصیه‌های دینی می‌تواند عوامل موثر در بروز مسئله طلاق باشد. امروزه در مسئله طلاق، بیشترین ارقام و آمار مربوط به مسئله اعتیاد است که باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود و بیکاری و سطح توقعات بالا و دخالت نابجای اطرافیان و شبکه‌های اجتماعی و مسایل انحرافی و... نیز در امر طلاق دخیل هستند. در جوامعی که استرس و اضطراب مشهود است و از افراد نظر روانی احساس امنیت نمی‌کنند، بیشتر شاهد بروز ناهنجاری‌های اجتماعی و طلاق می‌باشیم. امروز تک‌متولیان نهادهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و مذهبی و مدنی مسئولیت و رسالت دارند که از کنار مسئله کاهش ارتباطات مؤثر زوجین با یکدیگر، تعارضات زناشویی تا بروز پدیده شوم طلاق که یک آسیب بزرگ اجتماعی در کشور است، به راحتی نگذرند و در جهت حل این مسئله بفرنج باید کلیه لوازم و عوامل را دخیل نمایند تا بتوان از بروز طلاق جلوگیری کرد. هر چند در سال‌های اخیر مطالعات متعدد و

مختلفی در به وجود آمدن این مسئله و موضوع دخیل است. در بحث افزایش آسیب‌های اجتماعی مسئله طلاق یک تهدید بزرگ در کشور به حساب می‌آید و هر روز جامعه و خانواده‌ها را درگیر این موضوع کرده است. در بحث موضوع طلاق که این تهدید اجتماعی اثرات زیان باری برای خود شخص و خانواده‌ها و جامعه و در صورت داشتن فرزند برای فرزندان‌شان در دراز مدت خواهد داشت و این پدیده نگرانی‌ها و استرس‌هایی را به جامعه و خانواده‌ها تحمیل می‌کند و در انتخاب دیگر اعضای اجتماع و خانواده‌ها در بحث ازدواج تاثیر دارد و تردید و نگرانی و استرس را به خانواده‌ها به ارمغان می‌آورد. در کشورهای توسعه‌یافته که موضوع و مسایل اجتماعی نهادینه نشده باشد این آثار و آسیب‌ها در مدل و روش‌های مختلف خود را نمایان می‌کند و آنچه مسلم است، نبود آموزش‌های لازم از دوران کودکی و نوجوانی، ارتباط نادرست خانواده‌ها در شکل‌گیری تربیت شخصی و اجتماعی فرد، نداشتن برنامه درست و جامع از طرف جامعه و نهادها، عدم توجه به روحیات و نگاه افراد به مسئله ازدواج، عدم توجه به موقعیت‌های اجتماعی و فرهنگ خانواده‌ها، نادیده گرفتن جایگاه دین و توصیه‌های دینی می‌تواند عوامل موثر در بروز مسئله طلاق باشد.

در مسئله طلاق بیشترین ارقام و آمار مربوط به مسئله اعتیاد است که باعث از هم پاشیدن خانواده‌ها می‌شود و بیکاری و سطح توقعات بالا و دخالت نابجای اطرافیان و شبکه‌های اجتماعی و مسایل انحرافی و... نیز در امر طلاق دخیل هستند. در جوامعی

امروزی، برای همسران در مقابله با مکتب‌های ترویج کننده ناسازگاری در بین همسران نظیر فمینیسم باید تبیین گردد.

۳. تبیین و توصیف تفاوت‌های روانشناختی و جامعه شناختی و جسمانی زنان و مردان و توجه همسران به این امر، ضروری است، بصورتی که نگرش مردان به زنان نیاستی از عینک و نگاه یک مرد نگرسته شود بلکه از دید یک زن به یک زن در خصوص مسایل مختلف رجوع کرد و برعکس.

۴. شناخت بیشتر از تغییرات اجتماعی و بازتاب‌ها و پیامدهای این تغییرات در جامعه فعلی ما برای همسران در جامعه‌های در حال گذر از سنتی به مدرن و فرامدرن و بحران‌های ناشی از آن، صورت پذیرد.

۵. جریان سازی فرهنگی در تغییر و اصلاح عرف و باور به داشتن اکراه از ازدواج موقت یا تعدد زوجین و عمل به توصیه‌های مکتب وحی اسلام در این خصوص بدون در نظر گرفتن تفسیرهای شخصی و حرمت قایل شدن به آیات الهی در قرآن کریم.

سردرگمی احساسات و فاصله عاطفی: به نظر اغلب شرکت کنندگان در این پژوهش ابراز احساسات یادگرفتنی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل میشود. در جامعه سنتی بیشتر ابراز احساسات درونی و پنهانی است. یعنی صرفاً برای خود ما است نه برای دیگران. افراد بخاطر خودشان دیگران را دوست دارند و نگران آنها هستند که این موجب کنش‌های خودخواهانه در عشق ورزی می‌شود. متأسفانه والدین فقط در سنین کودکی بچه‌ها را می‌بوسند و در بزرگسالی مثل نامحرم‌ان با آنان رفتار می‌کنند. باید یاد گرفت که دوست داشتن را، آشکارا ابراز کرد. وقتی نسل گذشته مقوله احساس را تابو کرده اند این وظیفه نسل جدید است تا برای خوشبختی و آرامش خود و اطرافیانش تابو شکنی کند و ساختارهای محدود کننده رابطه ناب را به کنار نهد.

به صورت کلی می‌توان گفت از نظر خبرگان شرکت کننده و نظر نگارنده و پژوهشگر این پژوهش یک چشم‌انداز روشن از خانواده مطلوب در ایران که واقع بینانه و نه آرمانی است، با توجه

که استرس و اضطراب مشهود است و از افراد نظر روانی احساس امنیت نمی‌کنند، بیشتر شاهد بروز نابهنجاری‌های اجتماعی و مسئله طلاق هستیم. امروزه تک تک متولیان نهادهای فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و مذهبی و مدنی مسئولیت و رسالت دارند که از کنار مسئله کاهش ارتباطات مؤثر زوجین با یکدیگر و تعارضات زناشویی تا بروز پدیده شوم طلاق که یک آسیب بزرگ اجتماعی در کشور است، به راحتی نگذرند و در جهت حل این مسئله بغرنج، کلیه لوازم و عوامل را دخیل نمایند تا بتوان از بروز روز افزون پدیده طلاق جلوگیری کرد. هر چند در سالهای اخیر مطالعات متعدد و مختلفی در خصوص دلایل طلاق و تقسیم بندی‌های آن صورت گرفته است اما مشاهده شده است که این دلایل با گذر زمان تغییر یافته و یا دلایل دیگری که قبلاً تأثیر کمتری داشته است خود را نمایان می‌سازد. در هر صورت به نظر می‌رسد که توجه به نکات ذیل می‌تواند در پیشگیری و کاهش آمار و یا حداقل جلوگیری از افزایش روز افزون آمارهای طلاق مؤثر باشد:

۱. اکثر مطالعات همچون پژوهشی که توتلی و دیویس (۲۰۱۵) با عنوان مذهب، وفاداری و طلاق، به بررسی اثر دینداری بر خیانت‌های زناشویی و طلاق در میان زوج‌های با سابقه تاهل حداقل ۱۲ سال پرداختند، و یافته‌ها نشان داد که دیندار بودن احتمال خیانت زناشویی در میان این زوج‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین دیندار بودن به طور غیر مستقیم با افزایش سطح شادی ازدواج، امکان احتمال طلاق را کاهش می‌دهد، و افزایش دینداری خانواده‌ها ضریب مؤثری در کاهش طلاق می‌باشد. به عبارتی در نظر گرفتن رضای خدای متعال بجای رضای نفس و لجاجت، صبر بر مشکلات فی مابین همسران و دعوت به آرامش و گذشت بیشتر به خاطر جلب نظر خداوند متعال، عمل کردن به توصیه‌های دین در بین همسران و رعایت انواع حدود با نامحرم‌ها و... تأثیر به سزایی دارد.

۲. جایگاه واقعی و وظایف حقوقی و شرعی زن و مرد در جامعه فعلی بصورت کارکردی، در سبک زندگی اسلامی ایرانی

و حاکمیت گفتمان انقلاب اسلامی که معتقد و متعهد به سیاست‌های کلان نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه تحکیم نهاد بنیان خانواده برای تحقق یک وضعیت مطلوب در رابطه با سلامت خانواده ایرانی می‌باشد، امری ضروری است. این گفتمان می‌تواند با اتخاذ راهکارهای ده گانه یادشده، جلوی موج رو به نزاید فروپاشی خانواده و افزایش طلاق در ایران را بگیرد.

anxiety, and stress: Evidence from Pakistani working and nonworking women. Journal of Affective Disorders, 244, 231-238.

Barnes, S. J. , & Mattsson, J. (2016). Understanding current and future issues in collaborative consumption: A four-stage Delphi study. *Technological Forecasting and Social Change, 104*, 200-211.

Crespin-Boucaud, J. , Hotte, R. (2021). Parental divorces and children's educational outcomes in Senegal. *World Development, 145*, 1054-1059.

González-Val, R. , & Marcén, M. (2019). Unemployment, marriage and divorce. *Applied Economics, 50 (13)*, 1495-1508.

Lombardo, T. (2017). *Future consciousness: the path to purposeful evolution*. John Hunt Publishing.

Makhanova, A. , McNulty, J. K. , Eckel, L. A. , Nikonova, L. , Maner, J. K. (2018). Sex differences in testosterone reactivity during marital conflict. *Hormones and Behavior, 105*, 22-27.

Martínez-Sanchis, P. , Aragón-Amonarriz, C. , Iturrioz-Landart, C. (2020). How the Pygmalion Effect operates in intra-family succession: Shared expectations in family SMEs. *European Management Journal, 38 (6)*, 914-926.

Rijavec Klobučar, N. , & Simonič, B. (2019). Risk factors for divorce in Slovenia: A qualitative study of divorced persons' experience. *Journal of Family Studies, 24 (3)*, 291-306.

Sandbulte, J. , Tsai, C. , Carroll, J. M. (2021). Family's health: Opportunities for non-located intergenerational families collaboration on healthy living. *International Journal of Human-Computer Studies, 146*, 1025-1030.

Sbarra, D. A. , Whisman, M. A. (2022). Divorce, health, and socioeconomic status: An agenda for psychological science. *Current Opinion in Psychology, 43*, 75-78.

به الگوی ایرانی-اسلامی در زمینه پیشگیری از افزایش پدیده طلاق ضرورت دارد. و این مهم با پیش بینی متغیرها و پدیده‌های اجتماعی، تعیین وظایف و مسئولیت نهادهای مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و ترویج الگوی ازدواج موفق و آگاهانه و استفاده از تمامی ظرفیت‌ها برای فرایند مدرنیزه شدن جامعه ایرانی به عنوان کشور در حال توسعه امکان پذیر است. بدین ترتیب، تحول اساسی در مدیریت کلان اجرایی و مدیریتی کشور

منابع

احدی، ح.، عبداللهی، ا.، تاجری، ب.، حاجی علیزاده، ک. (۱۴۰۰). تدوین الگوی مفهومی عوامل شکل دهنده طلاق در پنج سال اول زندگی: یک مطالعه داده بنیاد. *مجله علوم روانشناختی*، ۲۰ (۹۷)، ۱-۱۱.

تقوی دینانی، پ.، باقری، ف.، خلعتبری، ج. (۱۳۹۹). مطالعه کیفی تجارب مردان و زنان طلاق گرفته از عوامل روانشناختی موثر در طلاق. *مجله علوم روانشناختی*، ۱۹ (۸۶)، ۲۲۸-۲۱۳.

خجسته‌مهر، ر.، بهمنی، ا.، سودانی، م.، عباس‌پور، ذ. (۱۳۹۹). تبیین فرایند شکل گیری طلاق: یک پژوهش کیفی. *دست‌آورد‌های روان‌شناختی*، ۲۷ (۱)، ۴۶-۲۳.

سعیدی، م. (۱۳۹۹). بررسی مولفه‌های اساس امنیت روانی خانواده‌های ایرانی و آسیب‌شناسی آن در خرده‌نظام‌های خانواده و فرآیند رشدی فرزندان. *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)*، ۱۱ (۴۱)، ۲۱۱-۲۳۴.

طهرانی مقدم، ح.، شریعت باقری، م. (۱۳۹۷). ارتباط عملکرد خانواده با مسئولیت‌پذیری و رضای نیازهای روانی پایه دانش‌آموزان پسر دبیرستانی. *خانواده‌پژوهی*، ۱۴ (۵۴)، ۲۳۵-۲۲۱.

کیانی، ن.، عارفی، م. (۱۳۹۴). مدل تحلیل مسیر روابط میان انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده، تاب‌آوری و سلامت روانی دانشجویان. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۵ (۳)، ۴۹-۲۲.

مستوفی سرکاری، ا.، قمری، م.، حسینیان، س. (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی آموزش روانی بر اساس الگوی اولسون و مک‌مستر در عملکرد خانواده معلمان زن. *خانواده و پژوهش*، ۱۶ (۴)، ۳۹-۲۳.

هاشمی، ا.، جعفری، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش خودمتمایز سازی در بهبود فرآیند و محتوای خانواده در زوج‌های متقاضی طلاق توافقی. *پژوهش‌های مشاوره*، ۲۰ (۷۷)، ۸۸-۶۱.

Abbas, J. , Aqeel, M. , Abbas, J. , Shaher, B. , Jaffar, A. , Sundas, J. , Zhang, W. (2019). The moderating role of social support for marital adjustment, depression,

Original Article

Favorable Scenario of Divorce Situation in Future Generations of Iranian Family in 20 Years Perspective

Received: 02/10/2021 - Accepted: 04/12/2021

Maryam Sadat Kolahi ¹
Azita Amirfakhraei ^{2*}
Eghbal Zarei ³

¹ PhD student in Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

² Assistant Professor, Department of Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

³ Associate Professor, Department of Psychology, Bandar Abbas Branch, Islamic Azad University, Bandar Abbas, Iran.

Email:
afakhraei2002@gmail.com

Abstract

Introduction: The divorce has reached its critical point in Iran and many families are involved in it, so it has caused many researchers to investigate this issue. The main purpose of this study is to investigate the optimal scenario of divorce status in future generations of the Iranian family in a 20-year perspective.

Methods: The research method is qualitative in screenwriting type. One of the objectives of future studies is “describing alternative futures” and screenwriting is one of its mediums. The statistical population of this study included family specialists (sociologists, family lawyers, psychologists, faculty members) in 2019. Considering the data saturation, 19 specialists were selected through purposive sampling method and were interviewed through semi-structured interview. Content analysis was used to analyze the results of the interviews.

Results: The results showed that the development of central scenarios of divorce status in future generations of the Iranian family can affect the status of divorce in the future. There are also favorable socio-cultural beliefs and contexts about the importance of the family in Iranian society that can play a decisive role in planning and policy-making aimed at managing and controlling the extent and severity of family injuries and the rate of divorce (especially future generations).

Conclusion: Therefore, the divorce rate (formal and affective) will decrease in the future generations through correct, preventive, managed and on-time practical solutions at macro policy making level.

Keywords: Future studies, divorce status, future generations, 20 year perspective